



۲۰۲۱/۱۱/۰۲



اسحاق نگارگر

آیا طالبان از اهمیت تعلیم و تربیه دختران آگاه استند؟

امروز پوره یک و نیم ماه میشود که اکثریت دختران در افغانستان از مکتب رفتن محروم شده و درکنج خانه نشسته اند. نخست از اثر روانی این محرومیت بر دختران می گویم.

در افغانستان ساختار نظام خانواده طوری است که میان فرزندان و والدین شان نوعی فاصله ایجاد می کند حالا ما نام این فاصله را حجب و حیای حضور بنامیم؛ یا دیکتاتوری پدر و قسماً مادر در خانواده و کم جراتی فرزندان و یا عدم صراحت لهجه در هر حال این فاصله وجود دارد و هنگامی که دختران و همچنین پسران مکتب می روند خواهر خوانده ها و رفیقان پیدا می کنند که این خواهر خوانده ها همراز و غمشریک یکدیگر می شوند و دختران در یک محیط کاملاً مساوی مجال صحبت و درد دل پیدا می کنند و داشتن خواهر خوانده به یک نیاز روانی دختران بدل می شود.

محروم کردن دختران از دیدار این خواهر خوانده ها ظلمی است که بیگمان نزد دختران عقده های روانی ایجاد می کند و هنگامی که یک دختر در خانه می نشیند و به این بکن و آن مکن مادر؛ خواهر؛ برادر کلان و دیگران گوش می دهد محیط خانه را یک محیط زهر آگین تشخیص می دهد و باز به نوعی تغییر محیط احساس نیاز می کند که در حالت سالم و طبیعی این محیط دوم مکتب و خواهر خوانده های مکتبی است که در آن خواهر خوانده ها قصه های غم و شادی همدیگر را می شنوند و از مصیبت یکنواختی رهایی می یابند. و اما چون در اکثر جوامع مشکلات دختران نسبت به پسران زیاد است پس نیاز دختران به تغییر محیط بیشتر است و اگر به این نیاز توجه نشود چه بسا که دختر از یک خانواده ضیق و سختگیر خود را به آغوش یک ازدواج زودرس و یا حتی وعده ازدواج زود رس بیندازد که عواقب آن برای دختر و خانواده اش به مراتب بدتر باشد.

نتیجه این که دختران به محیط مکتب و کار نیاز روانی دارند و جامعه بدین نیاز باید توجه کند پس تعلیم و تربیه دختران در مکتب یک هوس نیست بلکه یک ضرورت است.

و اما از این نیاز روانی که بگذریم حتی اگر حماقت تا آنجا بر یک جامعه غلبه کند که زنان را از کار اجتماعی محروم کند و زندانی خانه بسازد باز در خانه نشستن برای یک زن صاحب سواد آسان تر است. زن با سواد می تواند در خانه کتاب بخواند؛ خانه خود را خوب اداره کند؛ حساب دخل و خرج خانه خود را خوب بگیرد؛ از فرزندان خود خوب مراقبت کند؛ به رمال؛ فالبین و جندگیر کمتر دل خوش کند و از همه بالا تر با مطالعه دین و آیین از حق خود و حق

دیگران آگاه شود. زنی که سواد دارد چراغی بدست دارد و نشیب و فراز راه خود را خود می بیند ولی ناحق نگفته اند که بیسواد کور است و زن بیسواد همیشه به رهنمایی دیگران نیاز دارد و ممکن است دیگران او را غلط رهنمایی کنند.

به قول مولانا

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

یک نظر سطحی بر جامعه نشان می دهد که اکثریت قربانیان ازدواج های زیر سن و اجباری یا ازدواج های گریزه (وقتی دختری به دنبال یک مرد از خانه فرار و با او ازدواج کند این دختر را گریزه میخوانند.) دختران بیسواد هستند. و حالا به جنبه اجتماعی قضیه توجه می کنیم.

افرادی که در یک جامعه زندگی میکنند برای زندگی نیاز به ثروت دارند. ثروت در اینجا به معنای متعارف کلمه یعنی پول و دارایی نیست بلکه توانایی کار؛ دسترسی به وسایل کار و مساعدت های جامعه در ایجاد امکانات کار است. زنان بزرگترین نیروی مؤلف جامعه هستند و آن جامعه که این نیروی مؤلف را کنار می گذارد هرگز روی بهروزی را نمی بیند. کار دو نوع است کار مفید یا مؤلف ثروت است و یا در تولید ثروت کمک می کند و کاری که نه این کند و نه آن کند کاری است که بود و نبودش درد جامعه را دوا نمی کند و یک معده طفیلی است که دیگران باید پُرش کنند. امروز انواع لباس های دوخت بنگله دیش در بازارهای اروپا و امریکا خریداران فراوان دارد و این لباس ها دوخت زنان بنگله دیش است. این زنان بر ثروت جامعه خود می افزایند و با افتخار و سربلندی نان خود را خود پیدا می کنند. چرا دورتر بروم زنان قالدین باف و الچه باف و گلیم باف خود ما کمر خم می کنند و قالدین می بافند و حاصل کار شان در بازارهای جهان عرضه می شود.

حالا این زنان اگر با سواد شوند می توانند از تجربه های دیگران استفاده و کیفیت کار خود را بالا ببرند. افتخار به زنان معلم؛ طبیب؛ نرس که سال ها مشغول تدریس؛ تداوی و بیمار داری بوده اند و جای بسیار تأسف است که اکنون زمام اختیار شان به دست مشتی ملای کم تجربه افتاده است که سال ها سر شور داده اند و ضرب میضرب ضراباً فهور ضارب خوانده اند.

متأسفانه اکنون موضوع تعلیم و تربیه دختران به توپ فُتبال سیاستمداران بدل شده است. یک تیم فُتبال تیم طالبان است که به شناسایی از جانب کشور های جهان نیازمند است. طالبان می گویند ما را به رسمیت بشناسید همه کارها را درست می کنیم و آن سو تیم ملل متحد و کشورهای جهان است که از طالبان می خواهند کارها را درست کنید تا شما را به رسمیت بشناسیم.

نخست طالبان خود از ارزش تعلیم و تربیه دختران آگاهی ندارند و به همین دلیل است که چهل و پنج روز شد که زنان را از درس و تعلیم محروم نگاه داشته اند. کارهای که ملل متحد و برخی از کشور ها می خواهند طالب درست کند کارهای نیست که شب در میان رو به راه شود پس ضرر را بیچاره مردم می کشند که بانک های شان بسته و پول شان از جانب یک ابر قدرت در عرصه سیاست شکست خورده منجمد است و بنا براین تا تریاق از عراق رسد؛ مارگزیده هلاک شود. دختران مکاتب را مار تعصب و خود سری گزیده است و اینان به تریاق تعلیم و تربیت نیاز فوری دارند بنا براین دروازه های مکاتب را همین حالا بگشایید که فقط یک ماه بعد سرمای گزنده زمستان فرا می

رسد و عدم امکانات و عدم وسایل لازم باز دروازه های مکاتب را می بندد و مکاتب دختران تا بهار سال آینده مسدود می ماند و این بار فقدان امکانات به دست نظام طالبی بهانه دیگر می دهد. والله اعلم بالصواب

نگارگر دوم نومبر ۲۰۲۱ برمنگهم



برای مطالب دیگر اسحاق نگارگر روی عکس کلیک کنید

